

روایت «ایران» از

گفت وگویی پزشک‌یان با اقتصاددانان

گزارش

مرتضی گل‌پور

دبیر گروه سیاسی

دولت در پستو تصمیم می‌گیرد یا تصمیم دولت از مجرای گفت‌وگوی همه ذی نفعان می‌گذرد؟ پاسخ به این سؤال نقش و جایگاه جامعه‌مدنی در سازوکارهای تصمیم‌گیری و نظام حکمرانی را مشخص می‌کند. منظور از جامعه مدنی، هم گستره متنوع تشکلاتی صنفی را شامل می‌شود، تا تشکلات اجتماعی یا سیاسی و حتی کنشگران منفرد که نخبگان هر حوزه‌ای در جامعه محسوب می‌شوند. اگر تصمیم‌های نظام حکمرانی با مشارکت جامعه مدنی و دخالت دادن ذی نفعان اتخاذ شود، نظام حکمرانی می‌تواند اطمینان داشته باشد که میزان مشارکت و همراهی در اجرای

تصمیمات و تحقق اهداف بالاست. اما اگر تصمیمات بدون مشارکت جامعه مدنی اتخاذ شود، آن وقت این صرفاً دولت است که باید منویات خود را در محیط اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی پیش ببرد که کمترین همراهی را با آن دارد. جلساتی که رئیس‌جمهوری با اقتصاددانان و کنشگران اقتصادی برگزار می‌کند، از جنس مشارکت دادن ذی نفعان یا جامعه مدنی حوزه اقتصاد در تصمیم‌گیری‌ها است. اما در کنار مزیت عمده‌ای که برای این دو نشست برشمرده شد، به نظر می‌رسد مسأله این نشست‌ها با اقتصاددانان می‌تواند فراتر از این هم باشد. به این معنی که جنس این جلسات بیش از همه از جنس «تشخیص مسأله» است، تا اینکه از جنس «تشخیص و تصویب راهکار» باشد. برای درک این مسأله، نگاه عمیق‌تر و درونی‌تر به این نشست‌ها ضروری است. اولین نشست «با جمعی از فرهیختگان علمی و اقتصادی» ۲۶ شهریورماه برگزار

مهاجرانی، سخنگوی دولت در گفت‌وگو با «ایران»:
هدف جلسات شنیدن راهکار و تبدیل به تصمیم اجرایی است
رضوانه رضایی‌پور: گروه سیاسی/ فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت پناهی مسئولیت خود در جلسه رئیس‌جمهوری و اقتصاددانان حضور داشت. درباره جزئیات آن با وی گفت‌وگو کردیم.

دومین جلسه اقتصاددانان با رئیس‌جمهوری ۱۰روز بعداز جلسه‌اول برگزار شد. آیا تکرار این جلسات دلیل یافته‌سازی دارد؟ قرار است مباحث جلسات اول جمع‌بندی شود؟

این جلسات بنا به ابتکار شخص رئیس‌جمهوری برگزار می‌شود. هدف این است که ارتباط نزدیک‌تری میان بدنه علمی دانشگاهی، اقتصاددانان مستقل و دولت شکل بگیرد. این جلسات به فاصله کوتاهی برگزار شده است، اما همین امر به معنای اهمیت موضوع و ضرورت استمرار گفت‌وگو بویژه برای دولت است. به عبارت دیگر، قرار نیست این جلسات فقط یک نشست نمادین باشد، بلکه رئیس‌جمهوری تأکید دارند این گفت‌وگوها به‌صورت منظم و پیوسته ادامه باید تا جمع‌بندی دقیق‌تری از مباحث صورت گیرد.

وقتی درباره جلسه ۲۶ شهریورماه با شما صحبت کردیم، اشاره کردید که مباحث اقتصاددانان درباره ناترازی‌های اقتصادی بود. مباحث دومین جلسه چه بود؟

در جلسه قبل موضوع ناترازی‌های اقتصادی و برخی چالش‌های ساختاری کشور مطرح شد. در جلسه دوشنبه گذشته تمرکز ویژه بر موضوع «اسنپ‌بک» و تأکید بر راهکارها بود؛ بویژه در حوزه اصلاح نظام بانکی، سیاست‌های ارزی و سرمایه‌گذاری هم نظراتی بیان شد. اقتصاددانان دیدگاه‌های متنوعی ارائه کردند. دولت نیز تلاش کرد فضای گفت‌وگو را باز بگذارد تا همه نقد‌ها و پیشنهادها شنیده شود.

باتوجه به اجرای مکانیزم ماشه آیا این جلسات می‌تواند به همگرایی و نزدیک شدن دیدگاه‌ها به بخش

قانونی، تخصیص نیافتن منابع لازم، همکاری نکردن نهادهای مرتبط و موانع بین‌المللی عنوان شد. اکنون در پایان سال اول برنامه هفتم، باوجود اراده، تعهد و پیگیری دولت برای اجرای برنامه به عنوان نقشه راه اصلی، قوه مجریه اقداماتش را طی گزارشی در ۴۹ مجلد، توسط شورای راهبری برنامه که از سوی معاون اول رئیس‌جمهوری هدایت می‌شود، در اختیار نمایندگان قرار داد. با این گزارش، وضعیت واقعی پیش روی اجرای برنامه مشخص شده است. در عین حال سامانه‌ای طراحی شده است که امکان دسترسی نمایندگان به تمامی احکام برنامه و گزارش‌های دولت را برای ارزیابی ۲ هزار و ۵۱۵ حکم برنامه فراهم می‌کند.

براساس آنچه از کلیت تحقق اهداف برنامه هفتم در سال اول در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت از یک سو دولت با تدوین بیش از ۱۰۰ آیین‌نامه اجرایی توانست به بخش مهمی از تکالیف برنامه در حوزه تدوین آیین‌نامه‌ها عمل کند. در سوی دیگر در گزارش سازمان برنامه و بودجه که پیوست گزارش شورای راهبری به نمایندگان است، دست کم ۱۲۸ حکم مجموع ۲ هزار و ۵۱۵ حکم برنامه هفتم، غیرقابل اجرا اعلام شده است. محسن زنگنه رئیس «کمیته نظارت بر اجرای برنامه هفتم مجلس شورای اسلامی» روز گذشته یکی از این احکام غیرقابل اجرای فراقلمی شده را، تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی اعلام کرد. رشد ۸ درصدی هدفی است که در برنامه‌های گذشته نیز وجود داشت و هیچ‌گاه به مرز



مسعود پزشک‌یان در نشستی دوباره با جمعی از کارشناسان اقتصادی کشور که ۴ ساعت به طول انجامید، شنوای نظرات، انتقادات و راهکارهای پیشنهادی ایشان برای مواجهه با مسائلی و مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی کشور بود

دولت، دانشگاه و فعالان اقتصادی منجر شود؟ بدون تردید یکی از دغدغه‌های اصلی این جلسه، مواجهه با شرایط جدید ناشی از فعال‌سازی مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌ها بود. این دغدغه هم از سوی اقتصاددانان مطرح شد و هم از سوی دولت. دولت برای باور است که در شرایط فشار خارجی، همگرایی داخلی و نزدیکی دیدگاه‌های دولت، دانشگاه و فعالان اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر است. این جلسات دقیقاً در همین راستا شکل گرفته‌اند تا سیاست‌های اقتصادی کشور پشتوانه کارشناسی و اجماع بیشتری داشته باشد.

آیا مردم و فعالان اقتصادی باید منتظر خروجی مشخصی هم باشند؟ این خروجی از چه جنسی خواهد بود و کجا خواهد دیده شود؟ اساساً دولت این جلسات را تشریفاتی نمی‌بیند. هدف این جلسات، شنیدن نقدها و راهکارهای کارشناسان و تبدیل آنها به تصمیمات اجرایی در حوزه سیاست‌های پولی، ارزی، مالیاتی و تولیدی است. بنابراین نتیجه این نشست‌ها در آینده در قالب اصلاح رویه‌ها، تدوین برنامه‌های حمایتی یا سیاست‌گذاری‌های کلان خود را نشان خواهد داد. مردم و فعالان اقتصادی به‌تدریج آثار آن را در ثبات بیشتر، پیش‌بینی پذیری اقتصاد و تصمیمات عملی دولت لمس خواهند کرد.

اما به نظر می‌رسد برنامه هفتم در سال اول در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت از یک سو دولت با تدوین بیش از ۱۰۰ آیین‌نامه اجرایی توانست به بخش مهمی از تکالیف برنامه در حوزه تدوین آیین‌نامه‌ها عمل کند. در سوی دیگر در گزارش سازمان برنامه و بودجه که پیوست گزارش شورای راهبری به نمایندگان است، دست کم ۱۲۸ حکم مجموع ۲ هزار و ۵۱۵ حکم برنامه هفتم، غیرقابل اجرا اعلام شده است. محسن زنگنه رئیس «کمیته نظارت بر اجرای برنامه هفتم مجلس شورای اسلامی» روز گذشته یکی از این احکام غیرقابل اجرای فراقلمی شده را، تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی اعلام کرد. رشد ۸ درصدی هدفی است که در برنامه‌های گذشته نیز وجود داشت و هیچ‌گاه به مرز

مسعود پزشک‌یان در نشستی دوباره با جمعی از کارشناسان اقتصادی کشور که ۴ ساعت به طول انجامید، شنوای نظرات، انتقادات و راهکارهای پیشنهادی ایشان برای مواجهه با مسائلی و مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی کشور بود

دولت، دانشگاه و فعالان اقتصادی منجر شود؟ بدون تردید یکی از دغدغه‌های اصلی این جلسه، مواجهه با شرایط جدید ناشی از فعال‌سازی مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌ها بود. این دغدغه هم از سوی اقتصاددانان مطرح شد و هم از سوی دولت. دولت برای باور است که در شرایط فشار خارجی، همگرایی داخلی و نزدیکی دیدگاه‌های دولت، دانشگاه و فعالان اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر است. این جلسات دقیقاً در همین راستا شکل گرفته‌اند تا سیاست‌های اقتصادی کشور پشتوانه کارشناسی و اجماع بیشتری داشته باشد.

باتوجه به اجرای مکانیزم ماشه آیا این جلسات می‌تواند به همگرایی و نزدیک شدن دیدگاه‌ها به بخش

قانونی، تخصیص نیافتن منابع لازم، همکاری نکردن نهادهای مرتبط و موانع بین‌المللی عنوان شد. اکنون در پایان سال اول برنامه هفتم، باوجود اراده، تعهد و پیگیری دولت برای اجرای برنامه به عنوان نقشه راه اصلی، قوه مجریه اقداماتش را طی گزارشی در ۴۹ مجلد، توسط شورای راهبری برنامه که از سوی معاون اول رئیس‌جمهوری هدایت می‌شود، در اختیار نمایندگان قرار داد. با این گزارش، وضعیت واقعی پیش روی اجرای برنامه مشخص شده است. در عین حال سامانه‌ای طراحی شده است که امکان دسترسی نمایندگان به تمامی احکام برنامه و گزارش‌های دولت را برای ارزیابی ۲ هزار و ۵۱۵ حکم برنامه فراهم می‌کند.

براساس آنچه از کلیت تحقق اهداف برنامه هفتم در سال اول در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت از یک سو دولت با تدوین بیش از ۱۰۰ آیین‌نامه اجرایی توانست به بخش مهمی از تکالیف برنامه در حوزه تدوین آیین‌نامه‌ها عمل کند. در سوی دیگر در گزارش سازمان برنامه و بودجه که پیوست گزارش شورای راهبری به نمایندگان است، دست کم ۱۲۸ حکم مجموع ۲ هزار و ۵۱۵ حکم برنامه هفتم، غیرقابل اجرا اعلام شده است. محسن زنگنه رئیس «کمیته نظارت بر اجرای برنامه هفتم مجلس شورای اسلامی» روز گذشته یکی از این احکام غیرقابل اجرای فراقلمی شده را، تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی اعلام کرد. رشد ۸ درصدی هدفی است که در برنامه‌های گذشته نیز وجود داشت و هیچ‌گاه به مرز



اتفاق بازرگانی که خود فعالان اقتصاد ایران هستند. بعد از این جلسه، هیچ کدام از اقتصاددانان هیچ اشاره‌ای به محتوای جلسه نکردند. فقط فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در گفت‌وگویی با «ایران» اشاره کرد که «مهم‌ترین مباحثی که اقتصاددانان مطرح کردند، حول بررسی راهکارها برای حل مشکلات اصلی اقتصادی از جمله کسری بودجه، تورم، ناترازی‌ها و اصلاحات ساختاری بود». مهاجرانی در پاسخ به این سؤال «ایران» که «غیر از وضعیت اقتصاد یا برق و آب، به صریح‌ترین و روشن‌ترین شکل ممکن تبادل نظر و بحث کردند. برای همین بود که هیچ کدام حاضر نشدند بیرون از نشست، در رسانه‌ای یا شبکه اجتماعی عنوان کنند که چه گفتند و چه شنیدند. سخنان رئیس‌جمهوری در نشست اول هم روشن می‌کند که محتوای مباحث و آنچه گفته یا شنیده شد، چه بود. وقتی مسعود پزشک‌یان خطاب به حاضران در نشست اول، عنوان کرد که «از شما انتظار داریم که بهترین راهکارهای بهینه کردن هزینه‌ها بدون ایجاد نارضایتی و مشکل را به دولت ارائه دهید»، می‌توان فهمید که این سخن، پاسخی است به راهکارهایی که عمدتاً مبتنی بر آزادسازی قیمت‌ها با اصلاحات ساختاری در حوزه اقتصاد بوده است که به لحاظ سیاسی و اجتماعی می‌تواند پرهزینه باشد.

از هر زاویه‌ای که به این نشست‌ها نگاه کنیم، برای کشور مفید است: همگرایی و همنظری درباره مسائل دارای اولویت اقتصاد ایران بویژه پس از بازگشت قطعنامه‌ها. حالا دولت و جامعه مدنی اقتصاد ایران، بی‌واسطه رسانه‌ها و اخبار و گزارش‌های رسمی، بلکه رو در رو باهم حرف می‌زنند و این باعث می‌شود تا محذورات و مقذورات خود را دربرایند. مثلاً شاید علم اقتصاد می‌گوید باید اصلاحات اقتصادی جدی را در دستور کار قرار داد، اما الزامات سیاسی امروز کشور، همان‌طور که رئیس‌جمهوری اشاره کرد، می‌گوید «بهترین راهکارهای بهینه کردن هزینه‌ها بدون ایجاد نارضایتی و مشکل» باشد. این که می‌توان راه میانه‌ای یافت که هر دو طیف، دولت و بیرون دولت، به نقطه مشترکی برسند یا نه، به آینده بستگی دارد. اما تا اینجا حداقل به درک مشترکی از دیدگاه‌های یکدیگر رسیده‌اند. این درک مشترک، مسأله‌ای اقتصادی نیست، بلکه آورده‌ای سیاسی و اجتماعی است که برای امروز ایران مفید است.

اما به نظر می‌رسد برنامه هفتم در سال اول در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت از یک سو دولت با تدوین بیش از ۱۰۰ آیین‌نامه اجرایی توانست به بخش مهمی از تکالیف برنامه در حوزه تدوین آیین‌نامه‌ها عمل کند. در سوی دیگر در گزارش سازمان برنامه و بودجه که پیوست گزارش شورای راهبری به نمایندگان است، دست کم ۱۲۸ حکم مجموع ۲ هزار و ۵۱۵ حکم برنامه هفتم، غیرقابل اجرا اعلام شده است. محسن زنگنه رئیس «کمیته نظارت بر اجرای برنامه هفتم مجلس شورای اسلامی» روز گذشته یکی از این احکام غیرقابل اجرای فراقلمی شده را، تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی اعلام کرد. رشد ۸ درصدی هدفی است که در برنامه‌های گذشته نیز وجود داشت و هیچ‌گاه به مرز



گفت «نظارت بر برنامه به معنای اصلاح برنامه نیست و اگر هر کدام از احکام برنامه نیاز به اصلاح دارد باید مسیر قانونی را طی کرده و دولت برای آن لایحه بدهد». رئیس مجلس در عین حال گفت: «منی‌خواهم بگویم در برنامه هیچ ایرادی وجود ندارد و قطعاً ایراداتی نیز وجود دارد که از مسیر قانونی به آن رسیدگی می‌شود».

گفت «نظارت بر برنامه به معنای اصلاح برنامه نیست و اگر هر کدام از احکام برنامه نیاز به اصلاح دارد باید مسیر قانونی را طی کرده و دولت برای آن لایحه بدهد». رئیس مجلس در عین حال گفت: «منی‌خواهم بگویم در برنامه هیچ ایرادی وجود ندارد و قطعاً ایراداتی نیز وجود دارد که از مسیر قانونی به آن رسیدگی می‌شود».

ارزیابی از گزارش سال اول دولت نشست فوق‌العاده عصر دیروز مجلس، به ایراد نقی‌هایی از نمایندگان اختصاص داشت که ارزیابی‌لی آنگان از گزارش ارسالی شورای راهبری و عملکرد یک‌ساله دولت در اجرای برنامه هفتم را نشان می‌دهد. این نقی‌ها طیف متفاوتی از ارزیابی‌ها را شامل می‌شد. نمایندگانی دولت را به نداشتن اراده کافی برای اجرای برنامه متهم می‌کردند و نمایندگانی معتقد به وجود اشکالات در متن قانون برنامه و ضرورت اصلاحش بودند. این‌گونه بود که یک نماینده همچون محمد باقری بابک، اجرای موفق برنامه را منوط به حزیی شدن انتخابات و برنامه محور شدن منتخبان مجلس و ریاست جمهوری دانست و ابراهیم عزیزی نماینده او در عین حال این‌گونه محتوای برنامه

سیاسی

یادداشت

سید ابوالحسن نواب

برای نیروی انتظامی و احترام و اقتدارش

اینجانب هیچ ارتباط سازمانی، کاری و مالی با نیروی انتظامی (فراجا) نداشته و ندارم و هیچ کس سفارش، تذکر یا تأکیدی برای تهیه این نوشتار نداشته است. صرفاً از سوی احساس تعهد و نگاه به واقعیات جامعه و مطلع شدن از اخبار و تشخیص فردی، و مراجعه به وجدان خودم نوشته‌ام. به‌طور کلی، پلیس در تمام جهان محترم است و در ایران هم تا حدودی هست، اما احترام ما به پلیس باید ده‌ها برابر چیزی باشد که امروز می‌بینیم. نیروی انتظامی می‌تواند جامعه را به جایی برساند که همه ما می‌خواهیم؛ یعنی فراگیری نظم و قانون.

این نوشتار به معنی آن نیست که در نیروی انتظامی ضعفی و مشکلی وجود ندارد. اما اگر می‌خواهیم نیروی انتظامی و پلیس ما فداکار و جان‌فدا و خدمت‌گزار واقعی باشد باید بدانیم این کار تنها با بالا بردن حقوق و پاداش مالی که به جای خود ارزشمند است انجام نمی‌شود. در کنار همه این‌ها، اگر پلیس خودی بداند از احترام جدی میان مردم برخوردار است و مردم پلیس را پناهگاه خود می‌دانند و پلیس حال آن مشکل و فزایدرس آنان است، در این صورت با چنین احساسی، با تمام وجود وارد صحنه فداکاری می‌شود، حتی اگر به قیمت از دست دادن جان عزیزش تمام شود. اگر چنین پلیسی می‌خواهیم که در شهرهای مرزی و غیرمرزی درگیری می‌شوند و جان خود را فدا می‌کنند، چنین نیرویی همان پلیس مقتدری است که باید باشد و این اقتدار علاوه بر اقتدار نظامی و انتظامی، اقتدار محبوبیت است. زیرا مردم پلیس را از خودشان می‌دانند و پلیس خود را فداپس می‌داند. در این صورت نظم قانون بر مملکت سایه می‌افکند. البته ممکن است در گوشه و کنار کشور پلیس تخلفی هم انجام دهد، اما نباید با یک تخلف کوچک این نیروی بزرگ و مقتدر زیر سؤال برود، بلکه باید همچنان محبوب باشند و با تمام وجود به وظیفه خود ادامه دهند. بر این اساس چند نکته را به مردم عزیز، نجیب و قانون‌مدار ایران تقدیم می‌کنم.

۱- در هر جای کشور و در هر مقامی و هر کس با هر جایگاهی، باید به دستور فرمان پلیس احترام گذاشته و در خیابان شهر و جاده به دستورات پلیس توجه کرده و مدارک درخواستی را تقدیم کند. باید بدانیم که پلیس در حال انجام وظیفه است و این کار برای او منفعت شخصی ندارد بلکه نفع جامعه را در نظر دارد. پلیس باید احساس کند در جایگاهی که ایستاده، مورد احترام است و تمام اقرار خود را در قبال قانون مسأوری می‌داند. رئیس و نماینده بودن، با مدیر و مسئول بودن نمی‌تواند باعث شود در مقابل وظیفه قانونی پلیس خود را مقدم‌تر ببنداریم و در دستور پلیس تخلف کنیم.

۲- همه ما در این کشور مسافر یک کشتی هستیم و در این دنیای بلاخیز و طوفان‌زده در حرکت هستیم. هر آنچه برای این کشتی پیش‌باید متوجه همه ما می‌شود. بنابراین ما باید یک جمعیت پلیس ۸۵ میلیونی تشکیل بدهیم تا براساس آن همه ما خود را یار و همکار و همکار پلیس بدانیم. در کشورهایی اروپایی می‌بینیم که اگر فردی نیمه شب از چراغ قرمز عبور کند، هر شهروند آن کشور وظیفه خود می‌داند شماره خودروی متخلف را برای پلیس ارسال کند. آنان با چنین رویکردهایی نظم و قانون را در کشور خود مستقر کرده‌اند. ما هم باید همگاری با پلیس را بخش ضروری تحقق قانون و نظم بدانیم. ۳- همه ما از مشکلات مالی، تحریم‌های ظالمانه و تنگناهای مالی دولت و کشور باخبر هستیم. همچنین کم و بیش از مشکلات و کمبودهای نیروی انتظامی هم باخبر هستیم. بنابراین باید با یک وقف‌نذر، ثلث، تبرعات و کمک‌های خیر دیگر را برای نیروی انتظامی و مأموران امنیت‌مان باز کنیم. کمپین نذر امنیت راه بنیادیم، زمین و ملک هدیه کنیم، پاسگاه بسازیم یا برای پلیس سرپناه بسازیم تا نسل‌های آینده از روی کاشی‌های نصب شده بخوانند که این حفظ امنیت در این کشور، چه تازش‌هایی شده است که من و نسل‌های دیگر در امنیت و آسایش کامل باشیم.

در پایان با تشکر از برادران عزیز نیروی انتظامی که با ادب، اخلاق و مهربانی با مردم روبه‌رو می‌شوند و زحمت خود را همراه با خلوت رفتار یکپو به فرد مقابل تقدیم می‌کنند، از همه نیروهای خدمت در این نیروی بزرگ می‌خواهم این روش را در کل نیرو فراگیر کنند و همه با مهربانی وظیفه خود را انجام دهند. زیرا شما کارکنان زحمت‌کش نیروی انتظامی، زحمت خود را می‌کشید و سرما گرما را متحمل می‌شوید. اما اگر این زحمت‌ها با مهربانی همراه شود، برای اقتدار و احترام این نیرو صدچندان ارزش افزونی می‌کند. این یادداشت دلسوزانه، صرفاً قدمی در راه تجلیل از شهدای نیروی انتظامی و فداکاران و قهرمانان این نیروی پر تلاش است.

تناسب برنامه‌های توسعه و ظرفیت‌های توسعه

سازوکاری که درون برنامه هفتم پیشرفت برای ارزیابی میزان اجرایی شدن آن تعریف شد، دسانوردی فراتر از خود برنامه هفتم داشت. این سازوکار برخی از نواقص نظام قانونگذاری در کشور ما را روشن کرد. از جمله اینکه نشان داد سازوکارهای قانون نویسی ما کمتر به واقعیت‌ها توجه دارد و بیشتر می‌خواهد آرمان‌ها را روی کاغذ بیاورد. نگاهی به اظهارات محسن زنگنه، رئیس «کمیته نظارت بر اجرای برنامه هفتم توسعه» مجلس روشن‌کننده این مسأله است. این اظهارات نشان می‌دهد بخشی از مشکل اجراشدن برنامه‌ها و تحقق نیافتن اهداف آنها در خود برنامه‌ها نهفته است. وقتی میزان تحقق برنامه‌های توسعه پیشین به‌طور متوسط ۳۰ درصد بوده، انتظار می‌رود پیش از هر برنامه نویسی، دلایل این میزان تحقق برنامه‌ها مشخص شود و پس از شناسایی اشکالات برنامه‌های جدید نوشته شود. وقتی بدون این ارزیابی‌ها باز هم اهدافی چون رشد ۸ درصدی در برنامه‌ها گنجانده می‌شود، یعنی برنامه نویسی ما عمدتاً به منزله نوشتن آرمان‌ها است، به جای نوشتن یک برنامه واقعی. راه حل این مشکلات، بازگشت به واقعیت است، یعنی پیوند نظام کارشناسی و نظام قانون نویسی. در این صورت پیوستندگان قانون هنگام نوشتن برنامه‌ها خواهند دانست ظرفیت‌های ما چیست و امکانات کدام است و متناسب با آن برنامه‌ها را خواهند نوشت. اما نوشتن قانون بدون پیوند با واقعیت، وزن آرمان‌ها را در قوانین‌سنجی‌تر نمی‌کند. این آرمان‌ها انتظارات جامعه را افزایش می‌دهند و با شکست در برنامه‌ها انتظارات سرخورده می‌شود. منابع و ظرفیت‌های کشور برای تحقق اهداف متنوعی تقسیم می‌شود و در نهایت هم هزینه‌ها از دست می‌رود، هم ظرفیت‌ها تحلیل می‌رود و هم اهداف محقق نمی‌شود.

هفتم را نقد کرد که «در ماده ۷۲ به منظور تبدیل شدن کشور به قطب پزشکی و سلامت منطقه، تهیه یک میلیاردر بورو واکسن و تجهیزات پیش‌بینی شده است، اما اگر بخواهیم این رویاها و آرزوها را عملی کنیم، باید منابع آن را تأمین کنیم». این‌گونه است که باید برنامه هفتم را به دولت گفتیم درباره احکامی که تصور می‌کنند امکان اجرا ندارد به مجلس گزارش دهند تا درباره آن‌ها تصمیم‌گیری کنند» اظهار کرد: «اصلاحات، اصلاحات و اصلاحات» حذب فکری برنامه، باید با توافق دولت و مجلس صورت گیرد. وظیفه کمیسیون‌های تخصصی این است که هرچا لازم است اصلاح انجام دهیم.»